

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)


Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی-سعیدافغانی

۲۶ مارچ ۲۰۱۹

انتزاعیت و تیلفون  
جلال است یا حرام؟



دبیر: الحاج محمد شاه (پیمان) سویدی

۱۳۹۸

نوشتہ:  
امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »  
مدیر مطالعات ستراتیژیک افغان و  
مسؤل مرکز کلتوری دحقی لاره - جرمنی  
مارچ ۲۰۱۹، چاپ اول ©

[www.masjed.se](http://www.masjed.se)

«إن الحمد لله نحمده و نستعينه و نستغفره و نعوذ بالله من شرور أنفسنا و من سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له و من يضلل فلا هادي له، و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، و اشهد ان محمداً عبده و رسوله».

برداران و خواهران اهل اسلام در سایه هدایات دین حنیف اسلام زندگی شرافتمندانه و کریمانه ای دارند که در آن حلاوت و شیرینی ایمان و آسایش یقین، انس، طاعت و لذت عبادت را احساس می کنند. زندگی در سایه دین مقدس اسلام صلاح و فلاح دارین است. نباید فراموش کرد که دین اسلام دین اعتدال و میانه روی است، افراط و تفریط را به هیچ صورت نه سفارش دارد و نه قبول نموده، بلکه آن را به مناسبتهای مختلف و در نصوص شرعی متعدد، شدیداً مردود می شمارد.

شریعت دین مقدس اسلام هیچ کسی را به کاری که خارج از توان آن باشد، مکلف نساخته و نمی سازد. احکام و قوانین دین مبین اسلام مبتنی بر عدالت و دارای فلسفه روشن و متکی بر دلیل روشن دینی، برهان و معیار تشخیص آنها فکر درست و عقل سلیم است.

استعمال و به کار گیری انترنیت، تیلیفون و استفاده از وسایل مدرن و تخنیک امروز یکی از موضوعات مهم بوده و برخی از علماء به ارتباط چگونگی استفاده از اشیای فوق در روشنی دین مبین اسلام، به برداشت های خطا و استنباط های خطای فقهی مواجه شده و حتی طی فتاوی حکم حرام بودن استعمال آن را صادر نموده اند. می دانیم که اعمال انسان در شرع اسلامی حسب قوت در حلال و حرام بودن در یک کتگوری به ترتیب ذیل تقسیم دسته بندی شده اند: حلال، حرام، مباح، مکروه

( کراهیت تحریمی و تنزیهی) و در تقسیم دیگری بالترتیب به: فرض، سنت، واجب، مباح، مکروه تقسیم شده اند. حکم حرام را برای استفاده از انترنت، و حتی در مواردی به تیلیفون و سایر وسایل دیگر اطلاعات جمعی، و زمینه ساز تسهیلات انسان، دادن، امر جدی است که جهت استنباط درست از احکام الهی ( ج ) توجه شما را به چند نکته و فهم درست از اصول اسلام جلب می نمایم:

قبل از همه باید گفت که انترنیت و سایر وسایل انترنیتی ( تلویزیون، کمپیوتر، تیلیفون، پالتک، فکس، مخابرات و غیره شبکه کامپیوتری و شبکه های رسانه ئی) از امور ضروری و حتی در برخی از موارد در زندگی امروزی و عصر کنونی بشری جز مهم حیاتی شمرده می شوند که انکار از آن و یا هم حرام ساختن آن موجب عقب مانی، در مواردی مصیبت و حتی تباهی عظیمی برای نسل بشری نیز شده می تواند.

قرآن عظیم الشان در (آیت ۸ سورة النحل) با زیبایی و اعجاز آمیز خاص خویش فرماید: « **وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لَتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ** » ( و اسبان و شتران و خران را برای سواری و تجمل شما آفرید و چیز دیگری هم که شما هنوز نمی دانید (برای سواری شما) خواهد آفرید).

در مفهوم آیت متبرکه که می تواند به چند نکته ذیل به نتیجه مطلوب رسید:

- در آیت متبرکه با تمام صراحت آمده است: که حمل، نقل و سفر یکی از ضرورت های اولیه انسانی بوده که پروردگار با عظمت ما برای تحقق این هدف حیواناتی را خلق نموده است که از آن جمله می توان از « **وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ** » نام برد.

این حیوانات نه تنها به مثابه وسایل حمل و نقل برای بشر به شمار می روند، بلکه «**الخیل**»، مایه زینت هم برای انسانها به شمار می رود. و طوری که می دانید **زینت** «**زینة**» از جمله نیاز های ذاتی بشریست که اثر آن در زندگی اجتماعی ظاهر می گردد.

در آیت « **وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ** » می توان به نتیجه یک مفهوم عالی و واقعی دیگری دست یافت و آن این که پروردگار با عظمت برای ما انسانها می آموزاند که دست پروردگار در آفرینش و خلقت وسایل، باز است. این بدین معنی است که وسایل ترانسپورتی تنها همین چند حیوانی که در آیت متذکره از آن نام برده شد، نمی باشد، بلکه در جمله « **وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ** » برای ما انسانها می فهماند که پروردگار با عظمت ما وسایل و عجائب دیگر را در بر و بحر هم برای استفاده شما انسانها خلق خواهد کرد، و در اختیار شما قرار خواهد گرفت که شما تا هنوز از آن هیچ اطلاعی ندارید و حتی در فکر شما نخواهد گشت. **که از آن جمله می توان:** بایسیکل، موتر، لاری، ریل، طیارات کشتی و وسایل ترانسپورتی سریع فضائی وزمینی نام برد که همه آنها از جمله مخلوقات الهی بوده اند که خداوند برای استفاده بشر خلق نموده است.

همچنان در این آیت مبارکه خطاب به انسانها می فهماند که این همه اختراعات و اکتشافات در بخش حمل و نقل در آینده صورت خواهد گرفت، که شما تا هنوز از آن اصلاً اطلاع ندارید. در آیت متبرکه درس بزرگی برای ما انسانها است که وسائل حمل و نقل پیشرفته ای که در آینده توسط بشر ساخته خواهد شد، از آن بی اطلاعیم و بی خبر می باشیم. پروردگار با عظمت با تمام اعجاز به بشر تفهیم نموده است که ای انسان تو در بدو علم نداشتی، آموزش تو با قلم است «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (آیات ۴-۵ سورة علق) ( او که با قلم آموخت. آنچه را انسان نمی دانست به او آموخت.) در این آیت متبرکه که در می یابیم که قلم بهترین وسیله انتقال علم و دانش است و وحی الهی سر چشمه علوم بشری است.

پروردگار به انسان آموخت که تدبیر و تعقل خود را به خرج دهد تا هنوز به اسرار واقعی پی نه برده اید، تا هنوز اشیا و ادواتی در زندگی شما است که بدان علم ندارید، عالم حقیقی و واقعی پروردگار با عظمت است. ما امروز در عصری زندگی می کنیم که عصر انقلاب تکنولوژی است، عصر تحولات عظیم فضای الکترونیک است. بنیاد انسان در این عصر وسیله ای را خلق کرد و نام آن را کمپیوتر گذاشت و انقلاب بزرگی در حیاتی علمی بشر به عمل آورده است که قبلاً ما از آن اطلاعی نداشتیم.

### خواننده محترم!

نباید فراموش کرد زمانی که برای بار اول میکروفون (بلند گو) توسط بشر اختراع و به کار گرفته شد، مباحثات و فتاوی بین تعدادی از علمای اسلام آغاز یافت. تعدادی از علماء عجله بر حلال بودن میکروفون (بلند گو) و تعداد هم بر حرام بودن میکروفون که وسیله ای برای تبلیغ و ارشاد نیز شده می تواند و بود، حکم صادر نمودند. نباید فراموش کرد که در سالهای ۴۰ قرن نوزدهم، زمانی که عالم متبرکه جهان اسلام شیخ حسن البناء در مسجد جامع مصر میکروفون در دست داشت و برای مردم موعظه دینی و خطبه های دینی، شرعی، درس دینی و تفسیر قرآن عظیم الشان به عمل می آورد، برخی از همین علمای دینی در مجلس حاضر شیخ حسن البناء در مقابلش به پا ایستادند و برایش می گفتند: استفاده از میکروفون در شرع جواز نداشته و این استفاده شما یک بدعت در دین به شمار می رود و نباید وسیله میکروفون را در مسجد مروج ساخت.

علماء به حسن البناء با استفاده از نقل های قول و روایات فقهی با تمام صراحت بیان داشتند این وسیله شیطانی است و استفاده از آن در مسجد بدعت می باشد، یعنی «ادخال ما لیس من الدین فی الدین» است؛ یعنی شما چیز های داخل دین می سازید در حالی که جزو دین و شریعت نیست. «من أحدث فی أمرنا هذا ما لیس منه فهو رد» متفق علیه. یعنی: «هرکس در این دین ما چیزی ابداع کند که جزو آن نباشد، پس مردود است».

بودند علمائی که میکروفون را امر بدعت دانستند، و از شیخ حسن البناء تقاضاء به عمل آوردند تا از این امر بدعتی دست بردارد، ولی شیخ حسن البناء با تمام وضاحت شرح می داد من از این وسیله قرآن، احادیث و تفسیر و علوم اسلامی را خدمت شما می خوانم و تبلیغ و تفسیر قرآن و احادیث را به سمع شما می رسانم کجای آن بدعت و حرام است. من توسط این وسیله توانمندی آن را می یابم که به هزاران نفر از سامعان خویش صدای اسلام را به آسانی و فهم کامل برسانم.

شیخ با استدلال و منطق حسنه آهسته آهسته مردم را به اهمیت و ضرورت میکروفون متوجه و آشنا ساخت تا این که این وسیله از حکم حرام بودن و بدعت بودن برآمد و امروز الحمد لله از همین میکروفون ها صدای الله اکبر اذان پیامبر صلی الله علیه و سلم به گوش همه مسلمانان می رسد، و این وسیله "حرام!!!" امروز جای خاص خویش را در منابر مساجد جهان برای خود باز کرده است.

همین امروز بشریت وسایل دیگر اطلاعات جمعی را کشف نموده اند، که از آنجمله پرده تلویزیون، تیلیفون و سایر وسایل سمعی و بصری است که برای امور خیریه و حلال توسط مسلمانان حتی در مساجد مورد استفاده قرار می گیرد. می گویند برای اولین بار در زمان پادشاهی ملک عبد العزیز تیلیفون مورد استفاده پادشاه عربستان سعودی قرار گرفت. همین که عه ای ازین علماء تیلیفون را در دست ملک عبد العزیز مشاهده نمودند همین علماء به پادشاه عربستان سعودی گفتند که این وسیله، اشاره به تیلیفون کردند که نباید از آن استفاده کرد. حتی استفاده از آن را حرام شمردند. این علماء استدلال نمودند که شیطان از این وسیله صدای مبارک شما را می شنود. ملک عبد العزیز در جواب علماء فرمود که اگر کسی در همین وسیله تیلیفون قرآن را قرائت کند کسی خواهد گفت که آیا شیطان هم قرآن را گوش می کند؟ همه معترضان لاجواب ماندند.

**ومن برآن اضافه می کنم که اگر شیطان صدای سلطان را بشنود چه مشکل خواهد داشت؟ خاصاً که شاه امر حق و عدالت را بیان بدارد. بگذار شیطان بشنود و به حق دسترسی پیدا کند.**

همچنان زمانی که تلویزیون توسط بشر اختراع و به کار گرفته شد، عین سناریو را برخی از علماء در مورد حلال و حرام بودن این وسیله به راه انداختند. یک عده از علماء با تمام صراحت آن را حرام دانسته و به نام این که از این وسیله موسیقی و فلم های ناروا به نشر می رسد، فتوا به شکستادن این وسیله صادر نمودند، و کسانی که مالک این وسایل بودند آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

نمونه همچو حوادث در کشور عزیز ما افغانستان در سالهای نود قرن گذشته نیز زیاد بچشم می خورد. مسلم این است که اساس وسیله استفاده است که برای چه امر استفاده می شود تا خود وسیله.

غزا در راه خدا و استفاده از شمشیر که سبب قتل انسان بی گناه شود نمی تواند به هیچ وجه سبب و مبرر ازین بردن تمام شمشیر ها شود.

در محاکمی که عدالت تأمین نشود به هیچ وجه مبرر ازین بردن محاکم و عدالت نیست.

در سالهای نود قرن نوزده، زمانی که امارت اسلامی طالبان در افغانستان حاکم بود، و امیر المؤمنین ملا محمد عمر به حیث امیر امارت اسلامی اجرای امارت می نمود و شؤون امارت طبق اوامر امیر المؤمنین، معاونینش و مفتی های اداره امر بالمعروف و نهی عن المنکر اداره و رهبری می شد، استفاده از تلویزیون را حرام اعلام نمودند. ایشان استدلال می نمودند که تا هنوز برای ما به اثبات نرسیده که ضرر تلویزیون بیشتر است و یا هم منفعتش؟ برای ایشان معلوم نخواهد بود اما برای ما معلوم است که وسیله به ذات خود خوب و بد شده نمی تواند و این اساس درین جا باز هم به این رابطه دارد که چگونه از آن استفاده به عمل می آید؟

مولوی رحیم الله زرمی معاون وزیر اطلاعات و فرهنگ امارت اسلامی طی مصاحبه در مورد تلویزیون می گفت: «در آن (اشاره است به تلویزیون) تصویر اشخاص هم وجود دارد و از نظر آنان، (ثبت و پخش) تصویر حرام است.» وی اضافه نموده گفت: تعداد از اشخاص بدین نظر اند که می توان از شبکه های تلویزیونی در موارد اسلامی و خالی از ممنوعات نشرات و استفاده به عمل آریم، در جواب آنها باید گفت:

«کسی چه می داند و از کجا می توان تضمین کند، که مردم به جای نگاه کردن این شبکه نروند سراغ شبکه های تلویزیونی دیگری که در آن نشرات فاسدی را نشر و پخش می نمایند.» به این ترتیب به ایمان و اسلام مردم باور نداشتن و مطمئن به اسلام و مسلمانی شان نمی باشند.

مولوی رحیم الله می افزاید: از نظر علمای ما، (اشاره است به اداره امر بالمعروف و نهی عن المنکر) صدای زن عورت است، موسیقی هم چون «ساز شیطان» محسوب می شود، نزد ما حرام است.

همچنان از نظر علمای ما کشیدن نقاشی اگر در آن ذی روحی (یعنی انسان و حیوان) کشیده نشود، جایز است. علمای ما در همین راستا نقاشی از طبیعت و هنرهای خطاطی را جایز می‌دانند. ولی تئاتر و سینما، با توجه به مفاسدی که دارند و اختلاط زن و مرد، در آن دیده می‌شود، بناءً حرام هستند، گذشته از این در سینما و تئاتر «فریب مردم» هم هست، چون چیزی که ارائه می‌کنند چه در تئاتر و چه در سینما، به تصویر کشیده می‌شود، خالی از حقیقت است. در غیر از این، در سینما تصویر هم هست و نظر ما درباره تصویر قبلاً توضیح یافت.

همچنان ملا محمد اسحاق نظامی (مسئول اداره رادیو و تلویزیون در سالهای ۹۰ حاکمیت طالب در افغانستان) در مصاحبه خویش می‌گفت: تلویزیون چیز ضروری نیست و مفاسدش زیاد است، و عکاسی و فلم برداری که وسیله ای برای نشر و بخش نداشته باشد، یعنی تلویزیون وجود نداشته باشد، ضرورت آن دیده نمی‌شود.

در زمان امارت طالبان (سالهای نود قرن گذشته) صرف در شهر کابل رادیو به نام «صوت الشریعة» فعال بود و آنهم روزانه ۸ ساعت نشرات می‌نمود که به گفته ملا محمد اسحاق نظامی، مطالب علمی، ادبی و هنری در جنب برخی مطالب سرگرم کننده را پخش می‌کردند. وی در صحبت های خویش می‌افزاید: ما در نشرات رادیویی به حدود حلال و حرام ملتزمیم و نمی‌خواهیم که رسانه‌ها راهی باشند برای غافل کردن مردم از یاد الله (ج)، بلکه می‌خواهیم رسانه‌ها، وسیله کمک کننده در یاد الله برای مردم باشد.

همچنان در رادیوی خویش (اشاره است «صوت الشریعة») ترانه های بدون موسیقی را بخش می‌نمائیم، چون دار الافتای امارات اسلامی موسیقی را شرعاً حرام دانسته، و از جانب دیگر، رسم ما (افغانها) به ما اجازه پخش و نشر موسیقی یا گوش کردن به موسیقی را در زمانهای حزن یا وفات نمی‌دهد و ما در کشوری هستیم که هنوز در آن هر روز تعدادی به شهادت می‌رسند، و همین امر بیشتر ما را به گوش نکردن موسیقی ترغیب می‌کند، به عبارت دیگر حتی اگر علماء هم اجازه گوش دادن به موسیقی را هم بدهند، شرایطی که ما در آن هستیم اجازه چنین چیزی را نمی‌دهیم. ولی خود طالبان در زیادتر از موارد دیده شده اند که اخبار جبهات خویش را از طریق رادیو بی بی سی و صدای امریکا و سایر نشرات بین المللی تعقیب می‌نمودند.

### **خواننده محترم!**

می‌خواهم با تمام صراحت خدمت شما به عرض برسانم: مشکل در این وسایل نیست، بلکه نوع استفاده از این وسایل و تکنالوژی می‌باشد، یعنی این وسایل در ذات خود حلال اند ولی چگونگی استفاده ناروا و در مخالفت از اسلام ناروا می‌باشد.

به طور مثال سوال به عمل می‌آوریم: که آیا داشتن تفنگ حلال است یا حرام؟ در جواب در خواهیم یافت: تفنگی که در دست قطاع الطریق، متخلف و قاتل است، تفنگ حرام است. ولی همین تفنگ اگر در دست حافظ امنیت مردم، پولیس و مجاهد راستین فی سبیل الله باشد، تفنگ حلال است، زیرا مدافع حق و امنیت مردم و مجاهد از این تفنگ به خاطر دفاع از ملت مسلم و اعلاى کلمة الله و نشر دین مقدس اسلام و دفاع از ناموس و وطن آن را مورد استفاده قرار داده است.

اگر همین وسیله حربی در دست متخلف، جانی و قاتل باشد، این وسیله دیگر حرام است. چون این وسیله سبب قتل و جنایت و تعدی می‌گردد. قتل، تعدی و جنایت در اسلام حرام است و وسیله حرام حرام است. با این منطق در می‌یابیم که تفنگ مجاهد به حیث وسیله مقدس حلال و تفنگ شخص جانی و قاتل به حیث وسیله شر و فساد، حرام به شمار آید و حرام می‌شود.

سلاح در دست کسی که از حریم خانه خویش دفاع می‌کند و متجاوز را از پا در می‌آورد مجاز و حلال است و اما اگر پولیس و صاحب خانه بعد از ختم تهدید متجاوز و شخص تعدی کنند و در حال محصور در نزد پولیس و یا از پا افتاده

مورد تجاوز قرار می‌گیرد و از همین سلاح مشروع که در ابتداء استعمالش حلال بود و متخلف را از پا درآورد ولی همین سلاح مشروع بعد از پادر آوردن متخلف که سبب دستگیری وی شده بار دیگر استعمال می‌شود و مورد کشته شدن متخلف بعد از دستگیری می‌شود و یا دفاع از خود عوض دو سه مرمی که متخلف را از پا آورد، وی را بعد از دستگیری به قتل می‌رساند درین صورت حق دفاع ساقط و صاحب خانه قاتل و یا پولیس عوض مدافع قانون به قاتل مبدل می‌شوند. همین یک سلاح درنیم اول کار حلال و مشروع اما در نیم دوم کار که قتل متخلف بعد از دستگیری است، ناروا و غیر مشروع می‌گردد. نتیجه این که اساس طریق به کار گیری است تا نفس سلاح.

درموضوع انترنیت ، تیلفون موبایل عین حکم شرعی را در می‌یابیم ، خود انترنیت و تیلفون در ذات خود مانع شرعی ندارد ولی استفاده سوء و خارج از چوکات اسلامی از آن حرام می‌باشد. اگر این سوء استفاده از آغاز استعمال و یا درنیم و یا در وسط کار صورت بگیرد از همان لحظه حرام می‌گردد.

بطور مثال اگر از این وسایل در برهم زدن حریم ناموسی و حریم خانوادگی و سایر فحشاء و منکرات و وسایل قتل و جنایت مورد استفاده قرار بگیرد، دین مقدس اسلام آن را منع نموده است. و آنرا حرام اعلان می‌دارد .

ولی اگر این وسایل برای نشر دین و منفعت دینی و خدمت بشری مورد استفاده قرار گیرد دین اسلام نه تنها به آن ممانعتی ندارد بلکه پیروان خویش را تشویق و ترغیب هم می‌دارد و به مسلمانان پیشنهاد هم می‌دارد که از آن باید استفاده سالم به عمل آرند.

منطق سخن این است که اگر کسی باور داشته باشد که ضررش اضافه است و باز هم استفاده کند، گناه کار خواهد شد. اما اگر کسی باور دارد که برای امر سلیم استفاده می‌کند و برخورد باور دارد مسلماً که استفاده از آن مجاز و درست است. اگر کس در یور نباشد و رانندگی کند مسلماً سبب قتل و کشتن می‌شود و مسلماً رانندگی بر وی حرام است و نباید به آن بپردازد.

امر و حکم شرع درین مورد و اشیائی که در زمان حضرت محمد (ص) استفاده نشده و ما حال استفاده می‌کنیم چنین است: اگر چیزی در عصر صحابه و رسول الله صلی الله علیه وسلم وجود داشت و استفاده نکرده و ما استفاده کنیم مسلماً که منع و حرام است و اگر در آن زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم نبود و حال اختراع شده اند و ما استفاده برای سهولت و پخش مطالب جهت هدایت در امر مناسب شرع به کار ببریم هیچ ممانعت شرعی ندارد. مثلاً موتر، طیاره و دیگر تسهیلات عصر، که تفصیل آن در جمله « **وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ** » آیت ۸ سور النحل گذشت.

### **خواهران و بردارن مسلمان!**

نباید فراموش کرد که وظیفه و رسالت ما بردن و روان کردن کس به جنت نیست بلکه رساندن احکام دین مبین اسلام برای عالم بشریت جهت انتخاب خودشان است. همچنان مطابق احکام شرعی ما مکلف هستیم تا مردم را به جوهر واقعی دین مبین و مقدس اسلام که همانان سعادت دارین (سعادت دنیوی و اخروی) انسان می‌باشد ، آشنا سازیم.

ما باید برای مردم این شعار اساسی دین مقدس اسلام را برسانیم که دین اسلام در مخالفت با جنگ، قتل و خونریزی دین رحمان و رحیم که در ابتدای هر امری به گفتن آن مکلف هستیم (بسم الله الرحمن الرحيم) بوده خواستار زندگی صلح آمیز برای بشریت و متناسب برای تمام موجودات می‌باشد.

از جانب دیگر دین اسلام دین جهانی و ابدی بشریت است که عقیده و روش آن پیشرفت ، ترقی و تعالی می‌باشد، فرهنگ و ثقافت اسلام برای سعادت بشری است. این علمای اسلامی بودند که تمدن کهن یونان را به اندلس و عربی ترجمه و از لسان عربی به لاتین و انگلیسی ترجمه و آورده شده و بشریت به تمدن و پیشرفت علم و تخنیک در اروپا و جهان رسید. این اهدف عالی را باید علمای کرام کشور ما نیز به گوش مردم برسانند.

علمای کرام و پیشتازان جامعه وظیفه دارند تا از وسایل و راه های مختلف از منبر گرفته تا انترنیت جهان و مسلمانان را از تخلف و عقب گرائی نجات دهند. این وجیبه و رسالت، نه تنها اهداف عالی وانسان اند بلکه وجیبه اسلامی و رسالت یک مسلمان نیز می باشد. سخن حق و منطق آن را باید به سایر انسانها رساند، توضیح و تشریح نمود. نباید فراموش کرد که دین اسلام و پیامبر اسلام برای همه بشریت مبعوث گردیده. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»

همچنان در آیت (سوره اعراف) آمده است: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً» (۱۵۸) ( بگو: «ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم) و این آیت مبارکه خلاف ادعای های بی بنیاد برخی از مخالفان است که استدلال می آورند پیامبر صلی الله علیه وسلم ابتداء در فکر ارشاد مردم منطقه خود بود و چون در این امر موفق شد، بعداً به فکر ارشاد جهانیان برآمد.

همچنان نباید فراموش کرد که مکتب جهانی، رهبری جهانی هم لازم دارد، ما وظیفه داریم که به مثابه رهروان مکتب جهانی، اهداف و اصول این مکتب را به گوش همه افراد بشریت برسانیم و رساندن این امر مهم توسط انترنیت و وسایل انترنیتی به آسانی و به وجه احسن صورت می گیرد. ممانعت از استفاده و به کار گیری از انترنت ممانعت از اشاعه و رساندن حق و دین اسلام به عالم است.

قابل تذکر است که همین حالا تعداد کثیری از انسانها تعریف درست و واقعی از دین مقدس اسلام و مسلمانان را ندارد، اسلام و مسلمانان را دین و پیروان دین تروریست خطاب می دارند. ما باید برای روشن ساختن ذهن این عده از انسانها از وسایل دسته جمعی از قبیل انترنیت، رادیو، تلویزیون، تیلیفون فکس و سایر وسایل سمعی و بصری انترنیتی استفاده به عمل آریم، این وسایل که به ما امکان مساعد می سازد تا به طور سریع و آسان مردم را از اهداف نیک و انسانی دین اسلام و مسلمانان مطلع سازیم.

نباید فراموش کرد که انترنیت دروازه های باز تبلیغاتی است که هیچ کس مانع آن شده نمی تواند و هیچ کس جلو آن را به آسانی گرفته نمی تواند و مردم هم به آسانی به آن دسترس روزمره دارند، ولی اگر ما آن را به فهم فقهی خویش حرام و بدعت بشماریم و مسلمانان را از استفاده آن منع نمائیم، بدین وسیله نه تنها خود را از دنیا و عالم بشریت محروم و تجرید می سازیم، بلکه نمی توانیم رسالت دینی خویش را در بین مردم به وجه احسن انجام دهیم و خدا ناخواسته فردا در نزد پروردگار مواخذه خواهیم شد.

همچنان باید بیان داشت که شناخت و ایجاد روابط دوستی و آشنائی با انسانها و پیدا کردن دوستان و همفکران در انترنیت کدام ممانعت شرعی نداشته و جوانان در فضاء و دایره دقیق شرعی می توانند از همدیگر شناخت و در نهایت روابطه دوستانه پیدا نمایند و حتی از همین طریق به شیوه شرعی به ازدواج و زندگی مشترکی برسند. جوانان باید این وسیله را برای خیر استفاده نمایند و از استفاده مصیبت زای این وسیله باید جداً دوری جویند.

**می خواهم در همین مبحث خدمت خوانندگان محترم به عرض برسانم که آیا صدای زن عورت است و یا صدای زن عورت نیست! آنچه شایسته دقت و تأمل در مورد صدای زن در شرع است اینست که در این مورد باید: حکم «اسماع» (شنواندن) و «استماع» (گوش دادن) صدا با هم تفکیک بداریم، اگر صدای زن که سبب تحریک مرد نامحرم و لذت بردن و یا ترس از مبتلا شدن به گناه و پیامدهای دیگر آن باشد، آن صدا حرام است در غیر آن به صورت کل صدای زن در شرعیت اسلامی حرام نمی باشد. در قرآن عظیم الشان راجع به این موضوع دلیل و نص قرآنی وجود ندارد. صرف در (آیت ۳۲ سوره احزاب) به یک نقطه مهم در باره صدا اشاره نموده است و آنهم در مورد صدای زن در وقت صحبت با مرد است که توصیه قرآنی همین است که زن نباید در هنگام صحبت با مرد، خود را نازک سازد،**



و یا هم با قر و ناز صحبت کند. این ممنوع شدن هم نه به خاطر این است که صدای زن عورت است بلکه به خاطر این است که ممکن احساسات حرام را در مردان تحریک کند.

به صورت کل باید گفت:

**ما باید دوسالنه را به هم تفکیک نماییم:**

در قدم اول: «گوش کردن به صدای عادی، غیر محرک و به دور مفسده» را باید از مسأله «سخن گفتن مهیج و لذت بخش زن» با هم جدا کرد و حکم سماع و اسماع را طوری که در فوق یاد آور شدیم باید از یک دیگر تفکیک نمود و مورد بحث قرار داد.

این حجر از علمای مشهور علم حدیث چنین روایت می کند: به شرط این که خطر افتادن به زنا نباشد، حتی اگر برده هم نباشند، می توان، صدای آواز خواندن زن را شنید. چون که پیامبر صلی الله علیه وسلم هم در احادیث جاریتین هم این مسأله را منع نکرده اند، و حتی مانع منع کردن ابوبکر نیز شده اند. (ابن حجر، فتح الباری، صفحه ۱۱۵)

همچنان استفاده از تلفون های سیار یعنی موبایل هم برای تفاهم و تسهیل است نه برای شر و مصیبت، پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «**مَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا**» مسلم. یعنی: «کسی که به گمراهی و گناه دعوت کند، بر وی گناهیست مثل گناهان آنان که از وی پیروی کردند و از گناه آنها نیز چیزی کم نمی شود.»

بناء جوانان در قدم نخست این وسیله را برای خیر و منفعت استفاده نمایند و از صحبت های اضافی و مسایل و مباحثی که از آن بوی شر و مفهوم خلوت مفسده شر و ناروا به وجود می آید، جداً جلوگیری به عمل آرند.

حکم شرعی در امور چت بین مرد و زن در انترنیت و یا هم مکالمات و کنفرانس های ویدئویی و تلفونی همین است که این چت ها، تماس ها، مکالمات و ویدئو کنفرانس ها با نزدیکان و یا هم در بین هر زن نامحرم دیگری باید، با وقار و احترام و دایره حلال باشد و مسائل شرعی از قبیل عدم خلوت، عدم شوخی و مسخره و خندیدن با یک دیگر، حجاب و غیره اگر در آن هدایت شرعی مورد رعایت قرار گیرد، در اینصورت هیچ گونه اشکال دیده نمی شود، ولی اگر در تماس های خلوتی سخنان غرام و عاشقانه و شهوت انگیز، و یا شوخی و مسخره با یک دیگر صورت بپذیرد، طبیعتاً در فهم شرعی جانز نمی باشد، زیرا این مسائل مقدمه فحشاء خواهد بود و خداوند متعال می فرماید: «... فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (آیت ۳۲ سوره الأحزاب)

حکم شرعی در این مکالمات و تماس ها برای زنان همین است که: در سخن گفتن ملایمت نکنید (یعنی: هنگامی که با مردان نامحرم سخن می گوئید، ثن صدایتان را پائین نیاورید و نرم و ملایم سخن نگوئید چنان که زنان فتنه برانگیز چنین می کنند) «که آن گاه کسی که در دلش مریضی است (یعنی: کسی که بدکار یا منافق است) «طمع می ورزد. و نیکو سخن گوئید» (نزد مردم، طبق سنتهای شرع؛ سنجیده و به دور از شک برانگیزی، به طوری که شنونده چیزی از آن را ناشایست و غیر شرعی تلقی نکند).

به صورت کل باید گفت که: برای مردان و زنان مسلمان استفاده از اینترنت، تلفون و چت و دایر کردن ویدئو کنفرانس ها، حرام نیست، و طوری که در فوق یاد آور شدیم، در این مورد شرع هیچ گونه ممانعتی نمی بیند، به شرطی که از آن استفاده غیر شرعی به عمل نیاید.

زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «**لَا يَخْلُونَ رَجُلًا بِأَمْرَةٍ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ ثَالِثُهُمَا**». یعنی: «هیچ مردی با زنی خلوت نکند، چرا که نفر سوم آنها شیطان است» به روایت احمد و ترمذی. علاوه بر آن؛ این امر منجر به فتنه خواهد شد مگر برای کسی که خدا به او رحم کند.



قابل تذکر است که این اتصالات و صحبت ها و مذاکره ها بین زنان با مردان، که معمولاً در این صحبت ها در سخن گفتن تساهلی از طرفین روی می دهد ، و به اصطلاح به نوعی، دعوت به فتنه بینشان می انجامد و در نهایت به اسباب گناهی ، فتنه و فساد مبدل می گردد و از حالت مباحیت به حرام تبدیل می شود و در نتیجه باعث نفوذ شیطان در قلوب دو طرف می گردد و نوع محبت بین دو طرف ایجاد می نماید یا این که از گفتارهای زشتی نسبت به هم استفاده می کنند، یقناً به فهم و منطق شرعیت غرای محمدی صلی الله علیه وسلم حرام می باشد و از آن ممانعت شده است . در غیر این حالات تلویزیون ، اینترنت و چت، ویدئو کنفرانس و تیلیفون کنفرانس پالتک و غیره، نه تنها حرام نمی باشند، بلکه امروز به یک ضرورت حیاتی انسانها مبدل شده است.

پروردگار با عظمت، ما و فرزندان ما را از استفاده حرام از وسایل انترنیتی محفوظ و در امان داشته باشد و بر ما است که باید جداً از آن دوری به عمل آریم.

نبايد نعمت ها و فراخی الهی ( ج ) را به کفران مبدل سازیم، بالعکس باید شکر الله را بجا آریم که پروردگار با عظمت ما همچو وسایل تسهیلاتی حلال را در اختیار ما قرار داده است: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ.» (آیت ۷ سوره ابراهیم ) (که اگر واقعا سپاسگزاری کنید [نعمت] شما را افزون خواهد کرد و اگر ناسپاسی نمائید قطعاً عذاب من سخت خواهد بود. صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم. ) .

از الله تعالی توفیق عمل و استفاده سالم از نعمات الهی را استدعا داریم و خواهانم .

والله اعلم بالصواب

ومن الله التوفيق

حمل سال ۱۳۹۸ - مارچ ۲۰۱۹

[saidafghani@hotmail.com](mailto:saidafghani@hotmail.com)

ایمیل ادرس: